



یاسمین رضا:

نمایشنامه‌های من «تئاتر ج»

من بی درنگ فکر کردم این قضیه موضوع جالبی است.

* چهار شخصیت نمایشنامه را چگونه خلق کردید؟ آیا خودتان را در قالب آنها گذاشتید؟

رضا: من همیشه خودم را در قالب شخصیت‌هایی که می‌نویسم، می‌گذارم. خودم را از آنها جدا می‌کنم و در پشت آنها پنهان می‌شوم.

* شخصیت‌های نمایشنامه‌های شما اغلب از طبقه متوسط هستند. فرهیخته، اما ریاکارند. چه چیزی توجه شما را به چنین محیط اجتماعی- فرهنگی جلب می‌کند؟

رضا: باید بگویم که نمایشنامه‌های من، مهمتر از همه، در باره آدم‌هایی است که خوب تربیت و بزرگ شده‌اند ولی گاهی عنان و اختیار خود را از دست می‌دهند. این شخصیت‌ها، اغلب اوقات، پیرو انگیزه‌های ناگهانی و امیال آنی هستند. شما می‌توانید نمایشنامه‌های مرا «تئاتر جسارت» بنامید.

* آیا در اجراهای شهرهای مختلف، چیز متفاوتی با هر اجرا کشف کرده‌اید؟

رضا: من اولین بار این نمایشنامه را در سال ۲۰۰۶ در زوریخ دیدم. هر کشوری با توجه به فرهنگ و هنر و نیز با معیارهای اخلاقی خودش، با آن برخورد می‌کند. همیشه در مورد چیزی که برای تئاتر نوشته‌اید،

سال ۱۹۹۵ دو جایزه «تونی» در تئاتر را برای نمایشنامه موزیکال و شعرهای این نمایشنامه که بر اساس فیلم بیلی وایلدر موسوم به «سانست بلوار» نوشته بود، به خود اختصاص داد.

اخیراً یاسمین رضا و همپتون در نشست‌های بحث درباره نمایشنامه «خدای کشتار» پرداختند. رضا، در این گفتگو، درباره انگیزه‌هایی که او را وادار به نوشتن نمایشنامه «خدای کشتار» کرده است توضیح داد و از رفتار به اصطلاح مؤدبانه شخصیت‌هایش صحبت کرد. کریستوفر همپتون نیز نگرش خود را در مورد نمایشنامه‌های رضا، بویژه نمایشنامه «خدای کشتار» بیان داشت.

این گفتگو را دیوید نگ از طریق پست الکترونیکی با رضا در حضور همپتون در هتل بورلی هیلز در لس‌آنجلس انجام داده است.

* می‌توانید بگویند برای نوشتن نمایشنامه «خدای کشتار» از چه چیزی الهام گرفتید؟

یاسمین رضا: بله. روزی در خیابان، وقتی که به اتفاق پسر من از مدرسه بر می‌گشتم با مادر یکی از همشاگردی‌هایش صحبت می‌کردم. پسرش در نزاعی در زمین بازی دندان‌ش شکسته بود. او به من گفت: «می‌دانید که والدین این پسر حتی به من تلفن و عذرخواهی نکرده‌اند!»

نمایشنامه «خدای کشتار» که در تئاتر آمانسون لس‌آنجلس اجرا می‌شود، نوشته یاسمین رضا، نمایشنامه‌نویس سرشناس فرانسوی و ایرانی تبار است. رضا تاکنون به دریافت دو جایزه «تونی» در تئاتر که معادل جایزه اسکار در سینما است، نائل شده است. او بار دیگر با همکاری کریستوفر همپتون، سناریست و نمایشنامه‌نویس نامدار، در این نمایشنامه به بررسی رفتار تلخ و تند و تیز، و ریاکاری‌های بی‌حد و حصر طبقه متوسط می‌پردازد.

رضا گرچه در پاریس به دنیا آمده و ایرانی تبار است، اما در واقع، نمایشنامه‌نویسی فرانسوی است که توانسته است به عرصه تئاتر جهان، بویژه برادوی راه یابد. نمایشنامه کمدی او به نام «هنر» اولین جایزه «تونی» را در سال ۱۹۹۸ برایش به ارمغان آورد. نمایشنامه «هنر» به صورت یکی از پُر اجراترین نمایشنامه‌های خارجی در تئاترهای سراسر آمریکا بر صحنه آمد و بی‌درنگ به زبان‌های گوناگون ترجمه و در اغلب کشورهای جهان اجرا شد.

کریستوفر همپتون اغلب نمایشنامه‌های رضا را به انگلیسی برگردانده است. او در سال ۱۹۸۹ برای سناریو فیلم «روابط خطرناک» که از نمایشنامه خودش به همین نام اقتباس کرده بود، جایزه اسکار را نصیب خود کرد. در



سارت «است»!

حسن فیاد

در برادوی در نشستی تصمیم گرفتیم آن را به زبان آمریکائی برگردانیم. به هنرپیشه ها گوش سپردیم و درباره هر سطر صحبت کردیم و عاقبت به این نتیجه رسیدیم که باید تغییراتی در آن به وجود آوریم. زبان انگلیسی آمریکا واقعاً متفاوت با زبان انگلیسی انگلستان است. این کار، بازی لذتبخشی بود. در طول این تغییرات، این بحث به میان آمد که محل وقوع حوادث را هم تغییر دهیم. جیمس گندولفینی یقین نداشت که بتواند مثل یک فرانسوی آدم ها را بسیج کند. من با تغییر محل وقوع حوادث در نمایشنامه «هنر» مخالفت کردم. اما در مورد نمایشنامه «خدای کشتار» چیزی که وجود دارد این است که محل وقایع کمتر مشخص

نکته های زیادی فرا می گیرید. بهترین هنرپیشه ها همیشه خلاق و غیر قابل پیش بینی هستند. من از اینکه هنرپیشه های انگلیسی زبان سخاوتمندانه از جان و هنر خود در جهت بهتر نمایاندن نمایشنامه مایه می گذارند و از چیزی دریغ نمی کنند، بسیار آگاه هستم.

همپتون: چیزی که مایه تعجب من است قابل انعطاف بودن نمایشنامه های یاسمین است که کاملاً با دید بسیاری از هنرپیشه ها همخوانی دارد. در لندن بیست و یک هنرپیشه، از بیست ساله گرفته تا هفتاد ساله، نمایشنامه «هنر» را اجرا کردند. نمایشنامه های او مثل خمیری در دست های بازیگران است که می توانند آن را به هر شکلی که می خواهند، در آورند و اجرا کنند. این قضیه در مورد نمایشنامه های پیتر هم صدق می کند. خصوصیتی که بسیار نادر است. با نمایشنامه های دیگران، که شامل نمایشنامه های من هم می شود، چنین کاری مقدور نیست. باید در انتخاب هنرپیشه ها دقت بکار بُرد.

* برای اجرای نمایشنامه «خدای کشتار» در لندن، محل وقوع حوادث در فرانسه است. برای اجرای آن در آمریکا، حوادث در بروکلین و نیویورک روی می دهد. چرا آن را تغییر داده اید؟

همپتون: ماتیو وارچوس، کارگردان، رضا و من با هنرپیشه ها چند روز پیش از تمرین



به من پیشنهاد شده است که کارهای پیراندلو و لورکا را ترجمه کنم. اما نمی‌توانم خودم را متقاعد کنم که از محتوای آثار و منظور آنها سر در می‌آورم. در نتیجه، آثار کسانی را انتخاب می‌کنم که با آنها خویشاوندی و رابطه‌ای احساس می‌کنم.

*** در حال حاضر روی چه پروژه‌ها و نمایشنامه‌های جدیدی می‌کنید؟**

رضا: عنوان نمایشنامه جدیدم به انگلیسی *How You Talk the Game* است و هنوز ترجمه نشده است. این نمایشنامه درباره نویسنده‌ای است که برای ارائه آخرین اثرش به شهر کوچکی می‌آید.

همپتون: من سناریوی را برای سم مندز، کارگردان فیلم مشهور «زیبای آمریکائی» که چند جایزه اوسکار را به خود اختصاص داد، نوشته‌ام. این سناریو بر اساس زمانی است به نام *Netherland*؛ نوشته جوزف اونیل.

نمایشنامه‌ای هم بر اساس فیلمنامه «همه چیز درباره ایو» نوشته‌ام. همچنین روی نمایشنامه موزیکالی بر اساس رمان «ربه‌کا» نوشته دافنه دوموریه نوشته‌ام که امیدوارم در بهار آینده در برادوی اجرا شود. به سفارش تئاتر ملی انگلستان در حال نوشتن نمایشنامه جدیدی هم هستم. نمایشنامه‌ای که به سال‌های آخر زندگی باخ می‌پردازد.

رضا: یا به زبان اسپانیایی؟ صادقانه باید بگویم که نمی‌دانم. مطمئن نیستم که طنز و شوخ طبعی معیار مشخصی است.

همپتون: باید بگویم که این نمایشنامه به زبان فرانسه تا اندازه‌ای لحن دلگیر کننده‌ای داشت. یاسمین در مورد خنده تماشاگران احساس دوگانه‌ای دارد. من آن را با آغوش باز می‌پذیرم. فکر نمی‌کنم خندیدن تماشاگران

«خدای کشتار» دو زوج متمدن و مرفه از نخبگان جامعه را نشان می‌دهد که ظرف ۹۰ دقیقه بحث بر سر دعوای پسرهایشان، آداب معاشرت را کنار گذاشته و به جان یکدیگر می‌افتند.

به هیچوجه جدی بودن نمایشنامه را مخدوش می‌کند.

*** آیا ترجمه کردن نمایشنامه یک نمایشنامه نویسنده دشوارتر است؟**

همپتون: یاسمین خیلی دقیق است. در زمان ترجمه نمایشنامه «هنر»، او انگلیسی نمی‌دانست. اما حالا به انگلیسی صحبت می‌کند، چون توصیه مرا پذیرفت و زبان انگلیسی را آموخت. این قضیه کار مرا دشوارتر کرده است! من زبان‌های فرانسه و آلمانی را در دانشگاه آکسفورد فرا گرفتم. عشق و علاقه زیادی به این دارم که منظور نویسنده را دقیقاً به زبان دیگر برگردانم. نمایشنامه نویسانی هستند که من آثار آنها را نمی‌توانم ترجمه کنم.

است و بیشتر جهانی است. وقایع می‌تواند در هر شهر یا کشوری اتفاق بیفتد. یاسمین که باید متقاعد می‌شد، سرانجام با این تغییر موافقت کرد و گفت آزمایش می‌کنیم. هوپ دیویس (یکی از هنرپیشه‌ها) که در بروکلین زندگی می‌کند ما را راهنمایی کرد که مثلاً در کدام پارک شخصیت‌ها با یکدیگر ملاقات می‌کنند و دور هم جمع می‌شوند.

*** آیا داستان را هم تغییر دادید؟**
همپتون: در محتوا تغییری ندادیم. یاسمین در مورد همه چیز خیلی دقیق است. دوست ندارد چیزی را که نوشته است جلوی تماشاگران اجرا شود. این قضیه او را خشمگین می‌کند. یک زمان مرا کنار کشید و با خشم گفت: «زبان انگلیسی چه زبان ضعیف و بی‌روحی است!»

*** کسانی که این نمایشنامه را در پاریس دیده‌اند، (که رضا آن را کارگردانی کرده است) معتقدند که این نمایشنامه بیشتر جدی بود و کمتر از اجرای آن به زبان انگلیسی کمیک به نظر می‌آمد. آیا این نمایشنامه به زبان انگلیسی خنده دار تر است یا به زبان فرانسه؟**